

Prioritization of Geopolitical threats in west Asian Region with Emphasis on Territorial and Border differences with AHP Hierarchical Analysis Method and its Impact on Convergence of Countries

Mohammad Hassan Nami ¹ | Mehdi Khanjani ²

Abstract

The geopolitical conditions prevailing in the West Asian region have always made this important and strategic region the focus of regional and trans-regional powers throughout its history. And they always try to exploit the countless resources of the region by keeping the territorial and border disputes alive. These remaining territorial and border disputes in the West Asian region and the formation of the Zionist occupying regime have posed major geopolitical threats in the region. The present article has been done by descriptive-analytical method in West Asia. In this study, researchers using library resources and Delphi expert opinion and AHP SoLver software to answer the question: What are the effects of geopolitical threats in the West Asian region with emphasis on territorial and border differences on the integration of countries? The results of the research show that the difference between the occupying Zionist regime and occupied Palestine, the difference between the occupying Zionist regime and Lebanon in the south of that country and the difference between the occupying Zionist regime and Syria in the Golan Heights can have a great impact on regional security. And the occupying Zionist regime in the West Asian region as a potential threat and the surrender of the new rulers of the West Asian region has reduced the convergence of the region among the countries of West Asia. And most of these countries are moving towards divergence with a lot of specialties in common..

Keywords: Geopolitics, West Asia, Border, Territorial Disputes, AHP

95

Vol. 21
Spring 2022

Research Paper

Received:
24 December 2021
Accepted:
19 June 2022
P.P: 181-210



DOR: 20.1001.1.20086121.1401.21.1.6.3

1. Associate Professor, National Defense University, Tehran, Iran.

2. Corresponding Author, Ph.D. Candidate, Department of Strategic Defense Studies, National Defense University.
M.khanjani10@yahoo.com



اولویت‌بندی تهدیدات ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا با تأکید بر اختلافات ارضی و مرزی با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و تأثیر آن بر هم‌گرایی کشورهای منطقه

محمد حسن نامی^۱ | مهدی خانجانی^۲

چکیده

شرایط ژئوپلیتیکی حاکم بر منطقه غرب آسیا، همواره این منطقه مهم و راهبردی را در طول تاریخ، کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای زمان خود قرار داده است و همواره با زنده نگهداشتن اختلافات ارضی و مرزی سعی در بهره‌برداری از منابع بی‌شمار منطقه هستند. این اختلافات ارضی و مرزی باقی‌مانده در منطقه غرب آسیا و شکل‌گیری رژیم اشغالگر صهیونیستی تهدیدات عمده ژئوپلیتیکی را در منطقه ایجاد نموده است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در منطقه غرب آسیا به انجام رسیده است. در این پژوهش محققان با استفاده از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و نظر خبرگان به روش دلفی و استفاده از نرم‌افزار AHP Solver در مقام پاسخ به این پرسش برآمدند که: تهدیدات ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا با تأکید بر اختلافات ارضی و مرزی کدامند و تأثیر آن بر هم‌گرایی کشورهای منطقه چیست؟ نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین اشغالی، اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب آن کشور و اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان، می‌تواند تأثیر زیادی در امنیت منطقه داشته باشد. وجود رژیم اشغالگر صهیونیستی در منطقه غرب آسیا به عنوان یک تهدید بالقوه و سرسپردگی حاکمان نوپای منطقه غرب آسیا، باعث شده همگرایی منطقه در بین کشورهای غرب آسیا کم شود و بیشتر این کشورها با عنایت به اشتراکات فراوان به سمت واگرایی بروند.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک؛ غرب آسیا؛ مرز؛ اختلافات ارضی؛ AHP

DOR: 20.1001.1.20086121.1401.21.1.6.3

۱. دانشیار، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته مطالعات راهبردی دفاع مقدس دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران

مقدمه

غرب آسیا به طور تاریخی یکی از کانون‌های عمده پیدایش تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیرین بشر و از محورها و مسیرهای عمده تبادل فرهنگی، علمی و تجاری بین شرق و غرب عالم بوده است. منطقه غرب آسیا با داشتن امکانات و موقعیت‌های ممتاز جغرافیایی، وجود تنگه‌های مهم و همچنین با داشتن منابع غنی، از اهمیت ویژه ژئوپلیتیکی و استراتژیکی برخوردار است. کشورهای این منطقه با توجه به شرایط داخلی و ساختار نظام بین‌الملل، با یک ناامنی فراگیر و همه‌جانبه دست به‌گریبان هستند. اکنون مرزها از نشانه‌های تفکیک حکومت‌های جدید هستند و با خطوط باریکی، دو حکومت را از هم جدا می‌کنند و قلمرو رسمی اعمال اراده سیاسی آنها را نشان می‌دهند. امروزه خطوط مرزی ارزش حقوقی دارند و حدود آن را کشورهای همسایه و هم‌مرز به طور رسمی تعیین و نشان‌گذاری می‌کنند. وضعیت خطوط مرزی در پیشینه سازمان ملل متحد نیز ثبت می‌شود از این‌رو، ارزش بین‌المللی دارند و جامعه بین‌الملل آن را به رسمیت می‌شناسد. تعامل و ارتباط رسمی حکومت‌های مجاور از طریق گذرگاه‌ها و گمرک‌های مرزی تعریف و برقرار می‌شود (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۶۶).

اختلافات سرزمینی جنبه اجتناب‌ناپذیر کنش کشورها در نظام جهانی هستند. از زمان امضای پیمان وستفاليا در اواسط قرن شانزدهم میلادی، به تدریج مسئله تعیین دقیق حدود مرز میان کشورها اهمیت یافته است (مویر، ۱۳۷۹: ۹۰). در حال حاضر خطوط و مناطق مرزی موضوعات مهمی هستند که به آسانی موجب برانگیختن احساسات ملی و وطنی می‌شوند و به عقیده برخی اندیشمندان خطرات ذاتی به همراه دارند و به لحاظ پیامدهایی که برای امنیت داخلی و خارجی کشورها دارند، از عوامل مهم تعیین‌کننده روابط مسالمت‌آمیز یا برعکس مخاصمت‌جویانه بین آنها به شمار می‌آیند. زمینه‌های پیدایش این اختلافات همواره وجود دارد و انتظار می‌رود که چنین کشمکش‌هایی صحنه سیاسی - امنیتی جهان را همواره متأثر سازد (ربیعی، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

وضعیت و شرایط سیاسی و ژئوپلیتیکی حاکم بر منطقه غرب آسیا، همواره این منطقه مهم و راهبردی را در طول تاریخ، کانون توجه قدرت‌های برتر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داده است. منطقه غرب آسیا، متعلق به دو امپراتوری عثمانی و ایران بود که به علت تعارض‌های دینی، زبانی و قومی، مدام در حال کشمکش و ستیز با یکدیگر بودند. ضعف و فروپاشی دو قدرت مذکور،

انگلیس را میدان‌دار مدیریت این منطقه ساخت. بخشی از مشکل‌های موجود در منطقه خلیج فارس - که از زمان شکل‌گیری آنها از سوی انگلیس، تاکنون به صورت حل نشده باقی مانده است - اختلاف‌های ارضی و مرزی بین دولت‌های خلیج فارس و سیاست‌های توسعه‌طلبانه بعضی از این دولت‌ها، از مهم‌ترین عواملی است که صلح، امنیت و همگرایی منطقه‌ای را با مشکل‌های متعدد مواجه می‌سازد. این اختلاف‌ها و توسعه‌طلبی‌های ارضی، تاکنون نقش برجسته‌ای را در شکل‌دهی روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین کشورهای منطقه خلیج فارس ایفا کرده و در طول تاریخ، بارها سبب ایجاد تنش در میان دولت‌های منطقه شده است، اما در سال‌های اخیر، نقش عمده‌ای را در برهم‌زدن امنیت و ثبات منطقه ایفا کرده، به طوری که تنش‌های موجود اخیر بی‌سابقه بوده است. بر این اساس محققان به دنبال شناسایی تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا با تأکید بر اختلافات ارضی و مرزی و اولویت‌بندی آنها و تأثیر این تهدیدات بر همگرایی کشورهای منطقه بوده‌اند؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر «اولویت‌بندی تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا با تأکید بر اختلافات ارضی و مرزی با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و تأثیر آن بر هم‌گرایی کشورهای منطقه است.

مبانی نظری

ژئوپلیتیک: تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی هستند. ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و سیاست الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کند که می‌توان آنها را در اشکال رفتاری مختلفی شامل موارد زیر ملاحظه کرد: نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، زیر سلطه، ائتلاف، صلح، همکاری، جنگ، امنیت، آرامش و ثبات، تجارت و مبادله و غیر آن؛ بنابراین می‌توان گفت که ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۷).

عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک به دو دسته کلی عوامل ثابت و عوامل متغیر تقسیم می‌شوند. عوامل ثابت در حقیقت همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر که ممکن است

برخی از آنها نیز منشأ طبیعی داشته باشند به دلیل مطرح بودن نقش کمیت در آنها، جزء عوامل متغیر محسوب می‌شوند (عزتی، ۱۳۹۰: ۷۶). عوامل ثابت ژئوپلیتیک شامل موقعیت جغرافیایی، فضا و تقسیمات آن، وسعت خاک، وضع توپوگرافی و شکل کشور است و عوامل متغیر ژئوپلیتیک مواردی مانند جمعیت، منابع طبیعی و نهادهای سیاسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد (عزتی، ۱۳۹۲: ۷۸).

عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر امنیت مرزی

الف) عوامل طبیعی: وجود مرزهای خشکی طولانی، تنوع جغرافیایی در مناطق مرزی (خشکی، آبی، کوهستانی صعب‌العبور و ...) و همسایگی با کشورهای زیاد سبب می‌شود مناطق مرزی یکی از نقاط آسیب‌پذیر و بحران‌خیز به شمار آیند (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۷۱). وجود ذخایر و منابع طبیعی در منطقه مرزی می‌تواند هم تهدید باشد و هم فرصت؛ اگر دو کشور همسایه دارای روابط حسنه با هم باشند و در عرصه‌های مختلف با یکدیگر همکاری داشته باشند، به تبع آن در زمینه بهره‌برداری از ذخایر و منابع مشترک، این همکاری و مشارکت ادامه خواهد یافت. همچنین منابع طبیعی موجود در مناطق مرزی ممکن است تأثیر منفی بر کارکرد امنیتی و ارتباطی مرزها داشته باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

ب) عوامل سیاسی: یکی از عوامل مؤثر در ایفای نقش مرزها و امنیت مرزی، عوامل سیاسی و روابط سیاسی با کشورهای هم‌جوار است. قرار گرفتن کشور در یک منطقه آرام و بدون تنش و مجاورت با کشورهایی که از ثبات نسبی برخوردار هستند یا قرار گرفتن در یک منطقه پرتنش و مجاورت با کشورهای بی‌ثبات، وابسته و فقیر هر یک تأثیر مهمی بر سیاست‌ها و نگرش‌های یک کشور در همه زمینه‌ها از جمله در مسائل مرزی خواهد داشت. به عبارت دقیق‌تر، امنیت ملی و به تبع آن سیاست‌ها و برنامه‌های کشورهای تحت تأثیر نوع فضای راهبردی مسلط بر امنیت منطقه‌ای است (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۱۲).

ج) عوامل امنیتی: تردهای غیرقانونی اتباع کشورهای مجاور به صورت مهاجران غیرقانونی، گروه‌های معاند و قاچاقچیان مواد مخدر؛ کمبود زیرساخت‌های توسعه؛ تنوع خطرات و تهدیدات امنیتی از سوی همسایگان و وابستگی آنها به ابرقدرت‌ها؛ شکاف اجتماعی و تبعیض قومی و فرهنگی در مناطق مرزی؛ هزینه‌های سنگین ایجاد امنیت توأم با تلفات جانی و کاهش امنیت

این مناطق و پخش و اشاعه ناامنی از سوی مهاجران غیرقانونی، پناهندگان، قاچاقچیان و اشرار از مهم‌ترین عوامل امنیتی مؤثر بر کارکرد مرزها است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۷۱).

د) عوامل اقتصادی: یکی از پیامدهای نامطلوب دوری از مرکز در مناطق مرزی، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق و قرار نگرفتن آنها در مسیر امواج توسعه کشور است. بی‌شک وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر مواردی که مخل امنیت مرز محسوب می‌شوند، تأثیر شگرفی دارد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۳). با این حال همکاری‌های اقتصادی و تجاری دو کشور همسایه، موجب گسترش مبادلات مرزی و رونق ارتباطات مرزی می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

ز) عوامل اجتماعی: وجود اشتراکات قومی، مذهبی و زبانی بین ساکنان دو سوی مرز، دو تأثیر متفاوت بر امنیت مناطق مرزی دارد؛ به نحوی که در مورد کارکرد امنیتی مرز، عموماً با تأثیر منفی مواجه خواهیم بود. البته میزان همگرایی یا واگرایی قومی - فرهنگی گروه‌های اجتماعی مرزنشین با حکومت مرکزی، نقش مهم‌تری در این زمینه دارد. به عبارت دیگر اگر این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی همگرایی داشته باشند، مسئله تأمین امنیت مرز و توسعه مناطق مرزی با مشکل کمتری مواجه است؛ اما اگر به دلایل مختلف این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی واگرایی داشته و نسبت به گروه‌های اجتماعی آن سوی مرز همگرایی داشته باشند، مسئله تأمین امنیت مرز با مشکل جدی مواجه می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

عملکرد قدرت‌های فرامنطقه‌ای در شکل‌گیری اختلافات مرزی: قدرت‌های

فرامنطقه‌ای بنیان‌گذار اختلافات منطقه‌ای بوده‌اند. زمانی که انگلیس به منطقه وارد شد، حاشیه جنوبی خلیج فارس از حکومت ملت پایه بی‌بهره بود. بسیاری از واحدهای سیاسی و اختلافات فی‌مابین که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، وجود خارجی نداشتند. انگلیس که آن زمان قدرت جهانی به شمار می‌آمد بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های منطقه ضمن بستن پیمان‌هایی با سران قبایل موجود، اداره امور خارجی آنها را به عهده گرفت و قلمروهای دلخواه خود را در منطقه ایجاد کرد. این عمل انگلیس با تصرف جزایر ایرانی و واگذاری آنها به شیوخ کرانه جنوبی همراه بود. در واقع انگلیس با این عمل خود اموالی را به دیگران بخشید که متعلق به آنان نبود و بنای بی‌اساسی را بنیان کرد که بعدها منجر به اختلافاتی شد که هنوز هم ادامه دارد. در مورد عراق

نیز با توجه به این که عراق در سال‌های اولیه استقلال رسماً تحت سرپرستی انگلیس بود، انگلیس به عنوان یک قدرت خارجی مؤثر در جریان مذاکرات بدون توجه به عواقب موضوع، نه تنها نسبت به اجحاف در حقوق ایران در شط‌العرب اقدام کرد، بلکه با حمایت‌هایی که از عراق به عمل آورد از آغاز استقلال عراق اختلاف بزرگی را در منطقه حل نشده باقی گذاشت که تنها پس از خروج این قدرت از منطقه حل و فصل شد. در مورد بحرین با آن که شیوخ بحرین خراج‌گذار ایران بودند، انگلیس با بستن پیمان‌هایی اداره امور خارجی آنها را بر عهده گرفت و در حقیقت با قطع ارتباط بخشی از قلمرو پیرامونی ایران با سرزمین اصلی، مقدمات جدایی آن را فراهم آورد (ربیعی، ۱۳۹۱: ۱۹۵).

اختلافات ارضی و مرزی در غرب آسیا

«ساموئل بی کرمن» معتقد است قدرت‌های درجه دوم با ظهور در عرصه سیاست جهانی، مناطق ژئوپلیتیک خود را آن‌طور که مصلحت می‌دانند تشخیص می‌دهند و تعیین می‌کنند، درحالی که مرزهای منطقه‌ای غالباً با حدود رقابت قدرت‌های بزرگ تطبیق دارد، ولی گاه این حدود ناشی از تکاپوی قدرت‌های درجه دوم جهانی هستند (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۴۰).

عزتی معتقد است وجود اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی، جزء ذات غرب آسیا است و همه کشورهای واقع در این منطقه به خصوص عربستان سعودی به علت تعداد همسایگان با آن مواجه هستند (عزتی، ۱۳۷۸: ۱۰۱). وی در جایی دیگر اشاره دارد مرزهای غرب آسیا در طول تاریخ به شکلی تنظیم شده است که هیچ‌یک از کشورها دارای آزادی لازم نیستند و هر کشوری کشور هم‌جوار را مکمل خود احساس می‌کند (عزتی، ۱۳۹۰: ۷۷).

سرحدات و مرزها به عنوان یک عنصر فضایی، به لحاظ تاریخی، مراحل تکاملی را پشت سر گذاشته‌اند. طی این مراحل به تدریج مناطق سرحدی از نقشه سیاسی جهان محو و با توجه به استقلال کشورها، تشکیل دولت‌های ملی و برجسته شدن هویت‌های ملی، مرزهای مشخص و دقیق جای سرحدات قدیم را گرفتند و تفکیک‌کننده واحدهای سیاسی از هم شدند. از سوی دیگر با گذر زمان کارکرد مرزها نیز دچار تحول و دگرگونی شده است؛ به نحوی که به تدریج از اهمیت کارکرد امنیتی-دفاعی مرزها کاسته شده و کارکرد ارتباطی-تجاری مرزها از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار شده است. هرچند در برخی از مناطق و در برهه‌ای از زمان به دلیل وجود شرایط

خاص مکانی و زمانی هنوز کارکرد امنیتی - دفاعی مرزها از اهمیت و جایگاه والاتری برخوردار است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۲۶).

در این راستا هر مرزی در زمان شکل‌گیری دارای شرایط خاص و منحصر به فردی است که نسبت به مرزهای دیگر فرق می‌کند. برخی از مرزها دارای تاریخچه و پس‌زمینه‌هایی چالش‌زا و خشونت‌آمیز، تحمیلی، استعماری و ... هستند. از سوی دیگر برخی مرزها دارای تاریخچه نسبتاً مسالمت‌آمیز بوده و بیشتر توافقی، مطابق با چهره‌های طبیعی و انسانی و ... هستند (افشردی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۵).

اختلافات مرزی و انواع آن

امروزه کمتر منطقه‌ای را در سطح جهان می‌توان یافت که در آن اختلافات مرزی بین کشورها وجود نداشته باشد. اختلافات و درگیری‌های مرزی را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

۱. اختلافات مکانی: به اختلافی گفته می‌شود که بر سر مکان دقیق مرز ایجاد شده باشد. ممکن است این اختلاف ناشی از تفسیرهای گوناگون و بعضاً متضاد از اسناد گوناگون (اختلاف ایران و عراق بر سر مرز اروندر)، یا تغییر مکان مرز طبیعی (اختلاف ایران و افغانستان بر سر رود هیرمند) باشد (یاری و عبدعلی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۰۴).

۲. اختلافات بر سر قلمرو: به اختلافات ارضی نیز موسوم‌اند، زمانی بروز می‌کند که دو کشور همسایه مدعی حاکمیت یک قلمرو مرزی باشند. معمولاً دلایل تاریخی، جغرافیایی و امنیت ملی اساس این ادعاها را تشکیل می‌دهد؛ مانند اختلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر سر واحه بوریمی، امارات متحده عربی و عمان بر سر قسمت‌هایی از رأس الخیمه و عجمان، و اختلاف مصر و سودان در مورد وادی حلفا (مجته‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۳۶).

۳. اختلافات عملکردی: به اختلافاتی گفته می‌شود که در مورد نحوه اداره و عملکرد مرزها بین دو کشور بروز می‌کند. مرز به عنوان یک مانع در برابر حرکت انسان‌ها و جابه‌جایی کالاها علاوه بر مشکلاتی که در بهره‌برداری از منابع و مدیریت آنها به وجود می‌آورد، گاهی باعث بروز اختلافات بین دو دولت می‌شود (درايسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۱۲۲). این گونه اختلافات خود به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: اختلافات در مورد تشریفات عبور قانونی از مرز، اختلافات در مورد تشریفات عبور غیرقانونی از مرز و اختلافات ناشی

از بروز مشکلات و مسائل محلی در مرزها.

۴. اختلافات ناشی از استفاده مشترک از یک منبع اقتصادی: این نوع اختلافات مرزی زمانی مطرح می‌شود که طرفین نمی‌توانند در مورد استفاده و تقسیم منابع اقتصادی موجود در منطقه مرزی به توافق برسند؛ و یا به عبارتی اختلافات در نتیجه استخراج آب، معدن، نفت و یا استفاده از چراگاه که به وسیله یک دولت و به هزینه دولت دیگر صورت می‌گیرد به وجود می‌آیند (اختلافات بین ترکیه، عراق و سوریه بر سر تقسیم آب رودخانه فرات) (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۲۹).

در مورد چهار گونه اختلافات مرزی (قلمروخواهی، موقعیتی، کارکردی و بهره‌برداری از منابع)، دو نمونه اول به طور حتم با جابه‌جا شدن مرز حل می‌شوند؛ اما نوع سوم و چهارم اختلاف مرزی را می‌توان از طریق ایجاد سازمانی برای نظارت و کنترل مرزی و نیز نظارت بر بهره‌برداری از منابع مشترک حل و فصل کرد. حل و فصل صلح‌آمیز منازعات سرزمینی خشونت‌آمیز نیازمند رویکرد سه‌وجهی صلح‌سازی، حفظ صلح و تثبیت صلح است (Harbottle, ۲۰۰۲: ۴۰).

مجتهدزاده مرتبط با نفوذ بیگانگان در ترسیم مرزها و اختلافات منطقه‌ای آورده است در سی‌ام مرداد ۱۲۱۴ هجری شمسی کاپیتان «هتل»، جانشین مقیم سیاسی بریتانیا در خلیج فارس، طی نقشه‌ای حدود رسمی فعالیت‌های دریایی قبائل عرب را تعیین می‌سازد و بعد نقشه دیگری از سوی جانشین وی سرگرد «موریس» تهیه و خط تازه‌ای از محدوده قبائل عرب را نشان می‌دهد. تأملی در عوامل و قدرت‌های اثرگذار در تنظیم مرزهای منطقه غرب آسیا در طول تاریخ، مشخص می‌سازد که ملاحظات منفی در تنظیم مرزها به طور سهو یا انتخاب‌شده ایجاد شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مشخص نبودن محل دقیق بعضی از مرزها و وجود ابهام؛
۲. عدم تبعیت بعضی از مرزها از قوانین بین‌الملل؛
۳. عبور مرزها از بین قومیت‌ها و جدا کردن آنها و تقسیم قومیت بین دو یا چندین کشور؛
۴. باقی گذاشتن اختلافات در مرز برای بهره‌برداری قدرت‌ها در آینده؛
۵. اثرگذاری کشورهای صاحب نفوذ در تنظیم محل مرز؛
۶. متکی نبودن مرز در بسیاری از نقاط به عوارض حساس طبیعی و باثبات (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۹۶).

برخی از رژیم‌ها برای تجاوز و چشم‌داشت به سرزمین دیگران پشتوانه‌سازی اعتقادی کرده و آن را مبنای منطق و تصمیم قرار داده‌اند. برای مثال می‌گویند دولت رژیم اشغالگر صهیونیستی، مطابق کتاب مقدس نمی‌توان سرزمین‌های اشغالی را بازگرداند و ادعای تصاحب سرزمینی به وسعت از نیل تا فرات را دارند. به هر صورت اختلاف بر سر اراضی، اختلاف در تعیین محل مرزها در بین کشورهای غرب آسیا در غرب آسیا فراوان یافت می‌شود. این عامل می‌تواند در دوران‌هایی از سوی نظام سلطه مورد سوءاستفاده قرار گرفته و یک بحران منطقه‌ای و یا ناامنی منطقه‌ای را ایجاد کند (دادرس، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

مرادیان، اختلافات مرزهای ترکیه با کشورهای مجاورش را بدین صورت بیان می‌کند که ترکیه و ارمنستان در دو نقطه آناتولی شرقی و منطقه خالی از سکنه آنی اختلاف نظر دارند. بین روسیه، ترکیه، اوکراین و گرجستان در دریای سیاه و تنگه‌های بسفر و داردانل اختلاف هست. این تنگه‌ها دریا‌های بسفر و داردانل و سیاه را از هم جدا می‌سازد. طبق معاهده لوزان ۱۹۲۳ تنگه‌ها به صورت غیرنظامی در آمدند و کمیسیون بین‌المللی باید آنها را کنترل کند. در سال ۱۹۳۶ به درخواست ترکیه معاهده مونتر و این وضع را تغییر داد و ترکیه دوباره اداره تنگه‌ها را در کنترل گرفت و منطقه را نظامی اعلام کرد. دولت روسیه تجدید نظر در اداره را دنبال می‌کند، اما با مخالفت ترکیه و ناتو مواجه می‌شود. نفت مورد نیاز ترکیه نیز از همین محل عبور می‌کند. اختلافات بین ترکیه و یونان جدی‌تر نمود دارد، مبنای این اختلافات قرارداد لوزان در سال ۱۹۳۴ است. عمده جزایر دریای اژه در اختیار یونان است و ترکیه فقط دو جزیره را در اختیار دارد (مرادیان، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

مورد دوم اختلاف جزایر لیموفس و ساموتراس متعلق به یونان نزدیک خاک ترکیه است که مبنای اختلاف، نظامی شدن جزایر از طرف یونان می‌باشد. مورد دیگر اختلافات بر سر مالکیت چهار مجمع‌الجزایر غیرمسکونی در دریای اژه است که ترک‌ها آنها را کارداک و یونانی‌ها آنها را ایما می‌نامند. اختلاف بعدی سر جزیره قبرس می‌باشد (دادرس، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

مجتهدزاده اختلافاتی را در مرزهای منطقه بیان نموده است:

▪ مرز دریایی بحرین و قطر به علت اختلافات دو کشور بر سر مالکیت بر مجمع‌الجزایر حواری نامشخص مانده است؛

- مرز دریایی ایران و کویت تعیین حدود به صورت دقیق ندارد؛
 - مرز دریایی عراق و کویت که ادامه مرزهای خشکی میان دو کشور بلا تکلیف مانده است.
 - مرزهای دریایی ایران، امارات متحده بر سر جزایر شاهد اختلافاتی است؛
 - مرز ایران و عراق در منطقه اروندرود منشأ اختلاف و ایجاد جنگ در گذشته بوده است؛
 - عربستان با کویت بر سر مالکیت جزایر فارو و ام‌المرادم اختلاف دارند؛
 - مرز دریایی عمان و امارات عربی متحده در مرز خشکی شاهد اختلافاتی است که در بخش رأس الخیمه عمان شمالی و شبه جزیره مسندم دچار بلا تکلیفی است؛
 - مرز دریایی قطر و عربستان در خلیج سلوا به دلیل اختلافات قطر بحرین بر سر مالکیت جزایر حوا، لاینحل بوده و در خور العدید به دلیل مشخص نبودن وضع دقیق مرزهای خشکی دو کشور پس از توافق نامطمئن سال ۱۹۷۴ همچنان نامعلوم مانده است؛
 - ایران و عربستان بر سر مالکیت جزایر فارسی و عربی اختلافاتی دارند. اختلافات موجود در این منطقه بخش پهناوری از دریای سرخ تا ربع الخالی و واحه بوریمی ملاحظه می‌شود؛
 - بین عراق و کویت در منطقه بی‌طرف اختلافاتی وجود دارد که در گذشته منشأ جنگ نیز بوده است؛
 - در حلاب منطقه در مرزهای مصر و سودان در دریای سرخ اختلافاتی بر سر اراضی در بین دو کشور جدی وجود دارد؛
 - بین اریتره و اتیوپی برای دسترسی به دریای سرخ و سرزمین‌های مربوطه اختلافاتی موجود است،
 - سومالی و اتیوپی در منطقه اوگادن با هم اختلاف دارند که این اختلاف سه بار در سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۸۰-۱۹۹۶ باعث جنگ شده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۷۱).
- یکی از مناطق مورد اختلاف عربستان و قطر، اختلاف بر سر منطقه است که «ابولخفوس» است که از سال ۱۹۶۵ تاکنون دو کشور با یکدیگر درگیری دارند. منطقه ابولخفوس در نزدیکی راهی قرار دارد که به یک پایگاه دریایی منتهی می‌شود که عربستان سعودی آن را در

«خور العدید» ایجاد کرد و خور العدید خلیج کوچکی است که در جنوب قطر واقع شده است و بر مبنای توافق‌نامه ۱۹۷۴ به عربستان داده شد.

از دیگر مناطق مورد اختلاف میان عربستان و قطر جزیره «حالول» است. فاصله دریایی این جزیره از «خارک» ۲۵۰ کیلومتر و از جزایر «قوین» ۲۲۹ کیلومتر است. حالول در شرق قطر واقع شده و میدان‌های نفتی «مَهْرَم» و «العِدَّ الشرقي» از جمله چاه‌های نفتی نزدیک به آن هستند. جزیره حالول همچنین دارای ذخایر و تأسیسات نفتی است (محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۹-۱۱۵).

نمونه منحصر به فرد از اختلافات ارضی و مرزی در غرب آسیا، تشکیل دولت رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین است. کوشش انگلیس برای پنجه افکندن بر فلسطین، در وهله نخست بر این پایه روشن می‌شود که این سرزمین زرخیز، جایگاه راهبردی برتری نیز دارد؛ زیرا حلقه‌ای از یک زنجیره به هم پیوسته پربهای جهانی است که آبراه سوئز کلید آن است و تا سال ۱۹۲۰ میلادی بیش از چهار هزار کشتی از آن گذشته بود. شاه‌راه‌های هوایی اروپا به جنوب خاوری آسیا و خاور دور، و راه‌های کرانه دریای مدیترانه به خلیج فارس نیز، از فلسطین می‌گذشت و دولت انگلیس را رأی بر آن بود که خاک فلسطین نه مانند اردن خاوری، به گونه «راه‌بندی بنیادی» برای پیشگیری از رخنه فرانسه (از راه سوریه به جزیره عربی)، سود بجوید. تأسیس رژیم اشغالگر صهیونیستی در ۱۹۴۸ و ادعا قصد تصرف سرزمین فلسطین چالش اساسی ارضی در منطقه بوده که با اقدامات این رژیم فضای نامنی دورنمای حل‌شدنی را نشان نمی‌دهد (شیخ‌نوری، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

اختلاف مرزی رژیم صهیونیستی با سوریه در بلندی‌های جولان نیز از موارد مرزی قابل توجه و تأثیرگذار بر امنیت جهانی می‌تواند محاسبه شود. اهمیت حیاتی جولان چه از نظر نظامی و چه از نظر راهبردی و یا منابع آبی همچنین ملاحظات تاریخی آن چنان برای هر دو طرف سوری و رژیم صهیونیستی دارای جایگاه ویژه‌ای است که تمکین رژیم اشغالگر از قواعد بین‌المللی در قطعنامه‌های سازمان ملل دور ذهن می‌نمایند (دادرس، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

سلیمانی آورده است: «رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ به خاطر دستیابی به عمق راهبردی، ارتفاعات جولان را به اشغال خود در آورده و به خاک خود منظم ساخته و دیگر آنجا را منطقه‌ای اشغالی آن‌گونه که قطعنامه ۲۴۲ به آن اشاره شده نمی‌داند. اظهارات، مقامات صهیونیستی به طور تصریحی به دفعات مؤید مطلب فوق بوده و اظهارات آنها

حکایت از عدم تسلیم این رژیم در تن دادن به قطعنامه‌های سازمان ملل و عقب‌نشینی از مناطق اشغال شده است. رژیم صهیونیستی با تکیه بر مبانی اعتقادی یهودی تصریحاً الحاق‌گری، تجاوز و حضور خود را در محدوده مورد نظرشان توجیه می‌نماید. باراک، دبیر کل حزب کارگر، در ۱۳ می ۱۹۹۸ قبل از اینکه پست نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی را به عهده بگیرد اعلام کرد که بیت‌المقدس خط قرمز رژیم صهیونیستی است و بر سر این هدف راهبردی که در دست ماست مذاکره معنی ندارد» (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۷۸).

همگرایی

همگرایی در چارچوب فرهنگ علوم سیاسی به فرآیندی گفته می‌شود که در آن، جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست‌های عمده و اساسی خود چشم می‌پوشند و سعی می‌کنند به تصمیم‌های مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی تازه‌ای واگذار کنند (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). در تعریفی دیگر، همگرایی عبارت از درهم‌آمیزی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک کشورها و ملت‌ها در مناطق گوناگون گیتی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۶۹).

همگرایی می‌تواند هم به‌عنوان یک فرایند و هم به‌صورت یک هدف، مطالعه شود. همگرایی فرایندی جنبشی برای همکاری دولت‌ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فراملی است. همچنین حرکتی برای همگون‌سازی تدریجی ارزش‌ها، ظهور یک جامعه مدنی منطقه‌ای و ایجاد یک اجتماع بزرگ سیاسی منطقه‌ای است، اما همگرایی به‌عنوان یک نظریه، نخستین بار از سوی دیوید میترانی، پژوهشگر انگلیسی، در سال‌های بین دو جنگ جهانی مطرح شد. براساس نظریه میترانی، پیچیدگی روزافزون نهادهای حکومت، از اهمیت کارشناسان سیاسی و سیاستمداران کاسته و در عوض، کفه را به نفع کارشناسان فنی - که با کارهای سیاسی سروکار چندانی ندارند - سنگین کرده است. میترانی برای توضیح نظریه خود، از اصطلاح ریشه‌دواندن یا گسترش استفاده می‌کند (Hettne، ۱۹۹۹: ۲۸۱)؛ بنابراین نظریه پردازان همگرایی، دولت‌های ملی را عامل نزاع می‌بینند و

۱. کتاب‌های مورد استناد یهود با تحریفات صورت گرفته در طول زمان از صورت کتاب الهی خارج و عمدتاً بیان‌کننده

نیات و منافع گروه‌های متعصب صهیونیست در طول زمان می‌باشد.

معتقدند که رهایی از چارچوب تنگ دولت‌های ملی و روی آوردن به جامعه بین‌المللی و همگرایی منطقه‌ای، پیش‌درآمد صلح جهانی است.

«ارنست هاس»، همگرایی را روندی می‌داند که در آن، کنشگران سیاسی در کشورهای مختلف ترغیب می‌شوند وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به رکن جدیدی تفویض کنند که نهادهايش، در دولت‌های ملی تشکیل‌دهنده آن، اختیارات قانونی داشته باشد یا خواهان آن اختیارات باشد. البته نوکارکردگرایی نظیر هاس، دولت‌های ملی و منافع ملی را دست کم نمی‌گیرند، اما معتقدند هنگامی که دولت‌های ملی دریابند که منافع آنها در اجتماع یا اتحادیه‌ای جدید، بهتر تأمین می‌شود، به چنین مرکزی روی می‌آورند. بعضی از این نظریه‌پردازان، همگرایی را به عنوان یک فرایند، بعضی آن را یک وضعیت و گروهی دیگر، محصول نهایی وحدت سیاسی می‌دانند (Lawrence, R., ۲۰۰۳: ۲۹۸). با توجه به این مباحث، همگرایی را باید روندی دانست که براساس آن، گروه‌ها، سازمان‌ها و کشورهای مختلف با حفظ استقلال داخلی، به خاطر منافع مشترک، دست به تشکیل سازمان جدیدی می‌زنند که فعالیت‌های آن به نفع تمام اعضا باشد. هر قدر میزان ارتباط میان اعضا، درک آنها از مشکل‌ها و نیازهای یکدیگر بیشتر باشد و منافع جمعی را فدای منافع احتمالاً تنگ‌نظرانه ملی نکنند، امکان موفقیت همگرایی بیشتر است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳۴).

سیر شکل‌گیری همگرایی در منطقه خلیج فارس

پایان قرون وسطی در اروپا و آغاز رنسانس و شکل‌گیری قدرت‌های استعماری در این قاره کهن، هم‌زمان با سرآغاز شکل‌گیری حکومت صفویه در سال ۱۵۰۱ میلادی و ساخت حکومتی قدرتمند در ایران پس از اسلام است که توانست قلمرو جغرافیایی حکومت خود را به مرزهای ایران قبل از اسلام نزدیک کند. در طول این دو سده، حکومت ایران توانست خلیج فارس را به یک دریای داخلی تبدیل کند و این ویژگی در طول ۱۲ سال حکومت افشار، بیشتر تقویت شد، اما از اواخر حکومت صفویه و پس از افشار، منطقه خلیج فارس و حکومت‌های محلی پیرامون آن، به مرور در اختیار امپراتوری عثمانی و پس از جنگ جهانی اول در کنترل و سلطه انگلیس قرار گرفت (زارعی، ۱۳۹۲: ۳۰۰). این کشورها (به جز ایران)، تا اوایل دهه هفتاد، استقلال کاملی نداشتند و به دلیل ناامنی‌ها و تهدیدهای فراوان منطقه‌ای و دریایی و نبود توان نظامی لازم برای مبارزه با

چالش‌های فراروی حکومت‌های ناتوان خود، به‌ویژه در اوایل قرن بیستم ناچار شدند با تشویق و ترغیب انگلیس، برای انعقاد پیمان‌هایی با این کشورها گام بردارند و می‌توان گفت این نخستین قدم با پشتیبانی و حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای به سوی شبه همگرایی منطقه‌ای بود، اما این همگرایی ناقص منطقه‌ای نتوانست تداوم یابد؛ زیرا سایر کشورهای قدرتمند منطقه‌ای که مستقل بودند یا تمایلی به انعقاد پیمان با انگلیس نداشتند (نظیر ایران و عربستان و بعداً عراق)، خود را از این پیمان منطقه‌ای کنار کشیدند؛ بنابراین، پس از خروج انگلیس در سال ۱۹۷۱، عملاً مکان همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس از بین رفت و تا زمان شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ که شش کشور منطقه، غیر از ایران و عراق برای تأسیس این شورا گام‌هایی برداشتند - منطقه هرگز نتوانست به همگرایی مطلوب دست یابد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳۴). از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰، چندین طرح همگرایی منطقه‌ای، از سوی پادشاه عمان و کویت به کشورهای منطقه ارائه شد، اما هیچ‌یک از آنها را این هشت کشور نپذیرفتند. پیروزی انقلاب اسلامی، رهایی آمریکا از جنگ ویتنام و شکست در آن، کشورهای منطقه خلیج فارس را یک بار دیگر به سمت ایجاد یک همگرایی منطقه‌ای سوق داد. ایدئولوژیک بودن انقلاب اسلامی و بازتوزیع ارزش‌های اسلامی و شیعی در منطقه و فاصله گرفتن آمریکا از ایران و نگرانی آنها از این وضعیت، از دلایل دیگر این همگرایی بود. در نهایت، این کشورها در نشست ریاض در سال ۱۹۸۱، زمینه پایه‌گذاری «شورای همکاری خلیج فارس» را فراهم ساختند. مهم‌ترین زمینه‌های همکاری کشورهای این شورا، مبادله اطلاعات در موضوع‌های امنیتی، تشکیل شبکه‌های دفاع هوایی، ایجاد نیروی واکنش سریع، مانورهای نظامی و گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی بود (متقی، ۱۳۷۵: ۱۳۵). این تشکل بزرگ رسمی همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس - که پس از شش دهه تلاش و تکاپو، به نتیجه رسید - گرچه اهداف بلندبالایی در نظر داشت، اما نتوانست به اهداف و برنامه‌های پیشنهادی خود دست یابد و به مرور، زمزمه‌های واگرایی در این شورا به گوش می‌رسید. با توجه به شکل‌گیری بهار عربی و بحران‌های موجود در این منطقه، این شورا تنها در بعد نظامی، فعال و تا حدودی موفق عمل کرد، اما اهداف و برنامه‌های اقتصادی آن، از جمله داشتن پول واحد و برداشتن موانع گمرکی و بسیاری موضوع‌های دیگر نتوانست کاری را پیش ببرد. بعد از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ میلادی، تاکنون هیچ کوششی برای ایجاد یک نظام امنیت منطقه‌ای

جامع، فراگیر و مقبول این هشت عضو، صورت نگرفته است. به شکلی دقیق تر می‌توان گفت بیشتر طرح‌ها و پیمان‌های مشترک منطقه‌ای بین این کشورها طی این دو دهه، بیش از آن که یک پیمان همگرایی منطقه‌ای باشد که همه کشورهای عضو منطقه را دربرگیرد، ویژگی امنیتی-دفاعی و محدودی را به همراه داشته است. بعد از بحران کویت و جنگ ۴۴ کشور با عراق، چارچوب امنیتی جدیدی به نام بیانیه دمشق یا پیمان ۲+۶ با حضور سوریه، مصر و شش کشور حوزه خلیج فارس ایجاد شد که کاملاً امنیتی-دفاعی بود، اما این توافق نیز به دلیل غیبت دو کشور غیر منطقه‌ای خلیج فارس و اعتراض مکرر ایران به رفتار سوریه به نتیجه نرسید و عملاً شکست خورد (Amirahmadian، ۱۹۹۳: ۲۱۵).

پیشینه پژوهش

جوان، مهدوی و ولی‌زاده، (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش شاخص‌های ژئوپلیتیکی در امنیت مرزی مطالعه موردی: شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی» نتیجه گرفتند که مهم‌ترین عامل ژئوپلیتیک اثرگذار در امنیت مرزی، عوامل سیاسی و مؤثرترین گویه این عامل، حضور نیروهای خارجی معارض با جمهوری اسلامی در کشورهای هم‌جوار با منطقه می‌باشد. همچنین بین عوامل ژئوپلیتیکی و عوامل انسانی مؤثر در امنیت مرزی روابط مستقیمی وجود دارد؛ اما شدت این ارتباط در بین متغیرها متفاوت است.

جان‌پرور و صالح‌آبادی، (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین و طبقه‌بندی اختلافات مرزی در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی» نتیجه گرفت ۱۶ عامل ر اختلافات مرزی منطقه تأثیرگذار است. در میان این ۱۶ عامل مسائل مرزی، اختلافات ارضی و منابع مشترک مرزی بیشترین وزن را به خود اختصاص داده است و عوامل سن مرز، تکامل مرز، موقعیت برجسته ژئواستراتژیکی، عملکرد مرزها و ... کمترین وزن را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، برای اینکه بتوان اختلافات مرزی و چالش‌های ناشی از آن را در طول مرزهای آسیای مرکزی بین همسایگان تا حد امکان کاهش داد و مرزها را برای دست‌یابی به امنیت ملی و منافع ملی خوب کنترل و مدیریت کرد.

محمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۹۱» نتیجه گرفت در کشورهای حاشیه خلیج فارس مرز،

مفهومی بیگانه است و سرحدات بسیاری از کشورهای این منطقه به وسیله مناطق مرزی و نه خطوط مرزی مشخص می‌شوند. در خصوص مشخص نبودن دقیق مرزها در کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توان به مواردی نظیر کوچ قبایل، وجود صحراهای خشک و بی‌آب و علف و عدم اکتشافات نفتی اشاره کرد. عامل دیگری که علاوه بر مسائل محدودیت‌های جغرافیایی و یا اختلاف‌های میان منطقه‌ای در روابط کشورهای منطقه تأثیرگذار است، وجود منبع حیاتی نفت است. مرزهای بین برخی از کشورهای منطقه مانند امارات متحده عربی با عربستان سعودی، عمان با عربستان سعودی، عمان با یمن و امارات متحده عربی با عمان به علت وجود ادعاهای ارضی، سیاست‌های توسعه‌طلبانه و هزینه‌های زیاد مربوط به علامت‌گذاری تاکنون بر روی زمین علامت‌گذاری نشده‌اند.

یاری و عبدعلی‌پور، (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل چرایی ناکامی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس در حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی فی‌مابین» نتیجه گرفتند که از بین عوامل مذکور، دو عامل تمایلات توسعه‌طلبانه کشورهای منطقه در قبال یکدیگر و موقعیت راهبردی مناطق مورد مناقشه، نقش محوری را در ایجاد بن‌بست اختلافات مرزی در منطقه ایفا می‌کنند و تا زمانی که رقابت‌های توسعه‌طلبانه و منافع حاصله از موقعیت راهبردی مناطق مورد مناقشه برای دولت‌ها همچنان پرننگ باشد، نمی‌توان امید به بهبود کامل اختلافات ارضی و مرزی در منطقه داشت.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش با توجه به ماهیت و کیفیت پرسش‌های پژوهشی، از منظر هدف از نوع کاربردی توسعه‌ای است و به لحاظ این که به توصیف و تفسیر عینی واقعیت‌های وضع موجود از طریق دیدگاه‌های خبرگان و صاحب‌نظران داخلی و با استفاده از روش‌های مربوطه رویکرد «توصیفی - تحلیلی (پیمایشی)» دارد. برای استخراج اطلاعات از تکنیک‌های دلفی و توفان فکری بهره‌گیری شده و با استفاده از طیف لیکرتی، روش‌های وزن‌دهی و روش‌های کمی و کیفی به تجزیه و تحلیل آنها اقدام گردید. با توجه به اینکه استفاده از تکنیک دلفی هدف می‌باشد بنابراین محقق در جامعه آماری خود افرادی را انتخاب کرده که دارای ویژگی‌هایی زیر باشند:

- آشنا بودن به محیط غرب آسیا و اختلافات ارضی و مرزی موجود در آن؛

- دارای حداقل مدرک ارشد و دکتری در رشته‌های مرتبط به موضوع پژوهش؛
- دارای مشاغل با جایگاه ۱۷ و به بالا؛
- اساتید و هیئت علمی دانشگاه؛
- دارا بودن مقالات علمی، پژوهشی، تألیف یا ترجمه و یا پروژه‌های تحقیقاتی در این حوزه؛
- عدم سوگیری در مطلب؛

نمونه‌گیری در روش AHP از افراد خبره صورت می‌گیرد؛ یعنی داده‌ها از طریق پرسشنامه خبره از میان افراد صاحب‌نظر و خبره در حوزه مورد اشاره صورت می‌گیرد. نمونه‌گیری در این روش اغلب به صورت کل‌شمار یا هدفمند است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۳۹۲). حجم نمونه در این پژوهش به دلیل روش بیان شده از سوی محققان، افراد تا حد اشباع می‌باشد؛ و روش پژوهش استفاده از روش آمیخته است. در مرحله کیفی با روش توصیفی و تحلیل روند و مصاحبه شفاهی با خبرگان، مطالعه ادبیات نظری تحقیق و اخذ نقطه نظرات به اکتشاف عوامل پرداخته و سپس به توصیف متغیرها به منظور شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط در مدل پرداخته شد؛ و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با توجه به تمام‌شمار بودن جامعه آماری به روش دلفی انجام گرفت؛ و نهایتاً چارچوب نظری تبیین شد و با استفاده از روش کمی، با طراحی پرسشنامه و محاسبه روایی و پایایی، امر گردآوری اطلاعات انجام شد؛ بنابراین رویکرد پژوهش از نظر نوع داده‌های گردآوری شده آمیخته و از نظر هدف توسعه‌ای-کاربردی است.

مدل تحلیلی: فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)

فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی یکی از روش‌های تصمیم‌گیری با شاخص‌های چندگانه است که برای مقایسه گزینه‌های مختلف به کار می‌رود. این روش به وسیله «توماس ال ساعتی» در سال ۱۹۸۰ ابداع شد. در حل مسائل، با استفاده از این فرایند باید سه گام اساسی را طی کرد:

۱. ساختن ساختار سلسله‌مراتبی؛
۲. محاسبه وزن معیارها؛
۳. سازگاری سیستم.

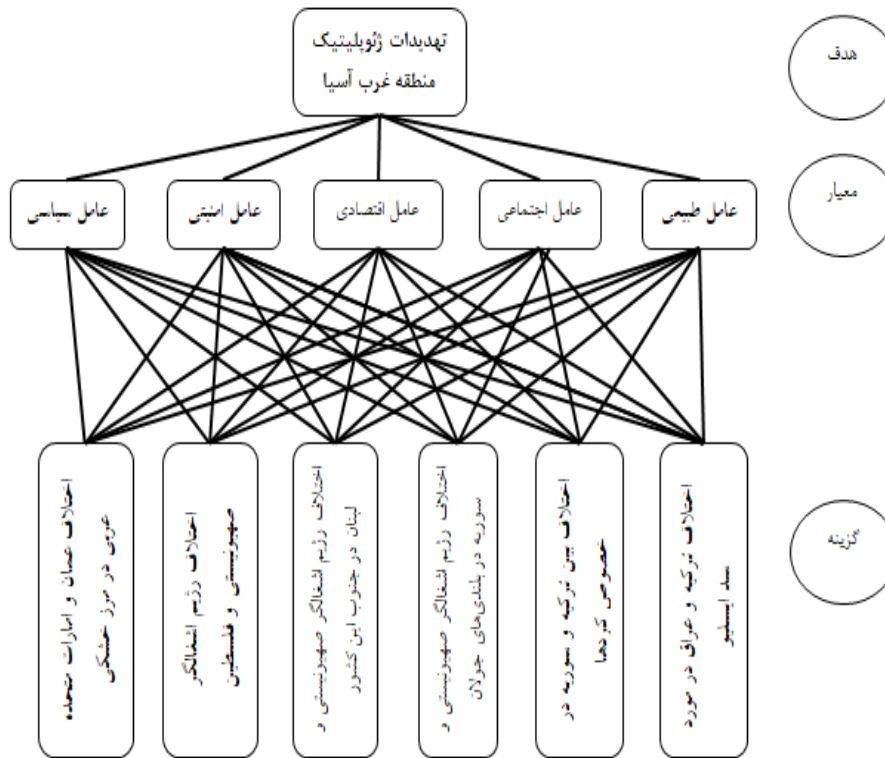
برای تعیین ساختار سلسله‌مراتب، در مرحله نخست باید هدف، معیارها و زیرمعیارها مشخص شود. هر یک از معیارها و زیرمعیارها از نظر اهمیت با هم متفاوتند و درجه اهمیت هر یک در تصمیم‌گیری بسیار تأثیرگذار است؛ از این رو با مراجعه به نظر خبرگان و استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، وزن و اهمیت آنها استخراج می‌شود. در روش مقایسه زوجی، گزینه‌ها و معیارهای مختلف، با استفاده از عبارات‌های زبانی متداول و اختصاص امتیاز عددی مناسب به گزینه‌ها، میزان اهمیت با ارجحیت میان دو گزینه مشخص می‌شود. در این روش امتیازات عددی بین ۱ تا ۹ هستند.

از مزیت‌های فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی امکان بررسی سازگاری در قضاوت‌های انجام شده برای تعیین اهمیت معیارها و زیرمعیارهاست. سازوکاری که «ساعتی» برای بررسی سازگاری در قضاوت‌ها در نظر گرفته است، محاسبه ضریبی به نام ضریب ناسازگاری (IR) است که از تقسیم شاخص ناسازگاری (I.I) به شاخص تصادفی بودن (R.I) حاصل می‌شود. چنانچه این ضریب کوچک‌تر یا مساوی ۱/ باشد، سازگاری در قضاوت‌ها مورد قبول است، و گرنه در قضاوت‌ها باید تجدید نظر شود. شاخص ناسازگاری به صورت زیر است:

$$I. I = \frac{\lambda_{\max} - n}{n - 1}$$

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

برای اولویت‌بندی تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا به روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی ابتدا باید مدل این تهدیدات با توجه به روش (AHP) ترسیم شود.



شکل ۱. مدل تحقیق بر مبنای روش سلسله‌مراتبی

پس از ترسیم مدل، با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد مقایسه زوجی، تهدیدات ژئوپلیتیکی را برای مقایسه به نخبگان، پژوهشگران و اساتید در حوزه ژئوپلیتیک ارجاع داده‌ایم. در تکمیل پرسشنامه، عناصر دو ستون وسطی دوه‌دو با هم مقایسه می‌شوند. در مقایسه هر سطر اگر عناصر سمت راست بر عناصر سمت چپ ترجیح داشته باشند، میزان ترجیح از طیف سمت راست انتخاب می‌شود و اگر عناصر سمت چپ مرجع باشند، میزان ترجیح از طیف سمت چپ انتخاب می‌گردد. در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار AHP SoLver با وارد نمودن داده‌های به‌دست‌آمده از روش دلفی نتایج زیر حاصل شده است.

جدول ۱. وزن نسبی گزینه‌ها

ردیف	اختلاف	اختلاف رژیم	اختلاف رژیم	اختلاف	اختلاف بین	اختلاف عمان
۱	رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین	لبنان در جنوب این کشور	صهیونیستی و بلندی‌های جولان	عراق در مورد سد ایلسو	ترکیه و سوریه در خصوص کردها	امارات عربی متحده در مرز خشکی
۲	۰/۲۴۳۹۱۵	۰/۲۱۲۲۰۷	۰/۱۶۶۷۱۲	۰/۱۵۵۷۸۷	۰/۱۳۶۲۰۷	۰/۰۸۵۱۷

جدول ۲. مقایسه زوجی معیارها

مقایسه شاخص‌ها	عامل سیاسی	عامل امنیتی	عامل اقتصادی	عامل اجتماعی	عامل طبیعی
عامل سیاسی	۱	۰/۵	۲	۲	۳
عامل امنیتی	۲	۱	۳	۳	۴
عامل اقتصادی	۰/۵	۰/۳۳	۱	۲	۲
عامل اجتماعی	۰/۵	۰/۳۳	۰/۵	۱	۱
عامل طبیعی	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۵	۱	۱

نرخ ناسازگاری به‌دست آمده ۰/۰۱۶۰۸ می‌باشد و چون کوچک‌تر از ۰/۱ است پس در مقایسات زوجی سازگاری وجود دارد.

جدول ۳. مقایسه گزینه‌ها بر اساس معیار عامل سیاسی

اختلاف عراق در مورد سد ایلیسو	اختلاف بین ترکیه و سوریه در خصوص کردها	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب این کشور	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین	اختلاف عمان و امارات عربی متحده در مرز خشکی	عامل سیاسی
۰/۵	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۲	۰/۱۷	۱	اختلاف عمان و امارات متحده عربی در مرز خشکی
۵	۴	۳	۲	۱	۶	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین
۴	۳	۲	۱	۰/۵	۵	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب این کشور
۳	۲	۱	۰/۵	۰/۳۳	۴	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان
۲	۱	۰/۵	۰/۳۳	۰/۲۵	۳	اختلاف بین ترکیه و سوریه در خصوص کردها
۱	۰/۵	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۲	۲	اختلاف ترکیه و عراق در مورد سد ایلیسو

جدول ۴. مقایسه گزینه‌ها بر اساس معیار عامل امنیتی

اختلاف عمان و امارات عربی متحده در مرز خشکی	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب این کشور	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان	اختلاف بین ترکیه و سوریه در خصوص کردها	اختلاف ترکیه و عراق در مورد سد ایلیسو
۱	۰/۲	۰/۲	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۵
۵	۱	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۱	۲	۳	۴
۴	۰/۵	۰/۵	۱	۲	۳
۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۵	۱	۲
۲	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۵	۱

جدول ۵. مقایسه گزینه‌ها بر اساس معیار عامل اقتصادی

اختلاف عراق در مورد سد ایلیسو	اختلاف بین ترکیه و سوریه در خصوص کردها	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب این کشور	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین	اختلاف عمان و امارات عربی متحده در مرز خشکی	عامل اقتصادی
۱	۲	۲	۳	۳	۱	اختلاف عمان و امارات متحده عربی در مرز خشکی
۰/۳۳	۰/۵	۰/۵	۱	۱	۰/۳۳	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین
۰/۳۳	۰/۵	۰/۵	۱	۱	۰/۳۳	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب این کشور
۰/۵	۱	۱	۲	۲	۰/۵	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان
۰/۵	۱	۱	۲	۲	۰/۵	اختلاف بین ترکیه و سوریه در خصوص کردها
۱	۲	۲	۳	۳	۱	اختلاف ترکیه و عراق در مورد سد ایلیسو

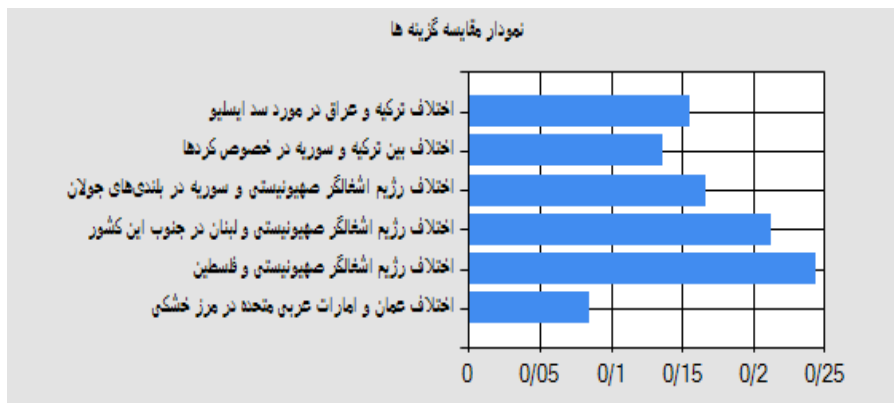
جدول ۶. مقایسه گزینه‌ها بر اساس معیار عامل اجتماعی

اختلاف عامل اجتماعی	اختلاف عمان و امارات عربی متحده در مرز خشکی	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و تی و فلسطین	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب این کشور	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان	اختلاف بین ترکیه و سوریه در خصوص کردها	اختلاف ترکیه و عراق در مورد سد ایلیسو
اختلاف عمان و امارات عربی در مرز خشکی	۱	۰/۵	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۲	۰/۲
اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین	۲	۱	۰/۵	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۲۵
اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب این کشور	۳	۲	۱	۰/۵	۰/۳۳	۰/۳۳
اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان	۴	۳	۲	۱	۰/۵	۰/۵
اختلاف بین ترکیه و سوریه در خصوص کردها	۵	۴	۳	۲	۱	۱
اختلاف ترکیه و عراق در مورد سد ایلیسو	۵	۴	۳	۲	۱	۱

جدول ۷. مقایسه گزینه‌ها بر اساس معیار عامل طبیعی

عامل طبیعی	اختلاف عمان و امارات عربی متحده در مرز خشکی	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب این کشور	اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان	اختلاف بین ترکیه و سوریه در خصوص کردها	اختلاف ترکیه و عراق در مورد سد ایلیسو
اختلاف عمان و امارات عربی متحده در مرز خشکی	۱	۰/۵	۱	۰/۵	۰/۳۳	۰/۳۳
اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین	۲	۱	۲	۱	۰/۲۵	۰/۲۵
اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب این کشور	۱	۰/۵	۱	۰/۵	۰/۳۳	۰/۳۳
اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان	۲	۱	۲	۱	۰/۲۵	۰/۲۵
اختلاف بین ترکیه و سوریه در خصوص کردها	۲	۱	۱	۱	۰/۲۵	۰/۲۵
اختلاف ترکیه و عراق در مورد سد ایلیسو	۳	۴	۳	۴	۱	۱

مهم‌ترین تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا از دید صاحب‌نظران و با استفاده از نرم‌افزار AHP SoLver بر اساس نمودار شماره ۱ عبارت است از اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین اشغالی که می‌تواند تأثیر زیادی در امنیت منطقه داشته باشد؛ و دومین و سومین تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا با تأکید بر اختلافات ارضی و مرزی به ترتیب اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب آن کشور و اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان است.



نمودار ۱. اولویت‌بندی تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا

چیزی که بیش از همه در این نمودار مشخص است این که یک پای همه تهدیدات ژئوپلیتیکی مهم منطقه غرب آسیا با تأکید بر اختلافات ارضی و مرزی وجود رژیم اشغالگر صهیونیستی است؛ رژیمی که به گفته امام خمینی (ره) یک غده سرطانی در منطقه است و وجود این رژیم و ماهیت اشغالگری آن باعث شده است آرامش منطقه غرب آسیا به خطر بیفتد.

نتیجه‌گیری

شرایط ژئوپلیتیکی حاکم بر منطقه غرب آسیا، همواره این منطقه مهم و راهبردی را در طول تاریخ، کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای زمان خود قرار داده است. این قدرت‌ها و در رأس آنها انگلیس و آمریکا به واسطه خوی سلطه‌طلبی و رسیدن به آرمان‌های توسعه‌طلبانه خود با تقسیمات غلط مرزی بعد از فروپاشی کشور عثمانی زمینه بروز اختلافات مرزی را باقی گذاشته

و تاکنون به آن دامن زده‌اند. از سوی دیگر نیز حمایت از لابی قدرتمند صهیونیستی به دنبال احقاق حقوق نامشروع خود هستند. حضور کشورهای قدرتمند اسلامی در منطقه غرب آسیا نقش بی‌بدیلی در عدم دست‌یابی به این آرمان بود. با فروپاشی امپراتوری عثمانی به وسیله انگلیس و تقسیمات کشوری در این منطقه به گونه‌ای رقم خورد که لابی صهیونیستی به آرزوی دیرینه خود برسد و اختلافات زیادی در بین کشورهای اسلامی منطقه باقی بماند تا در مواقع لازم با استفاده از آن قدرت این کشورها را تقلیل دهند که نمونه بارز آن را در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌توان به وضوح دید.

این اختلافات ارضی و مرزی باقی‌مانده در منطقه غرب آسیا و شکل‌گیری رژیم اشغالگر صهیونیستی تهدیدات عمده ژئوپلیتیکی را در منطقه ایجاد کرد. در این پژوهش محققان با استفاده از مطالعه منابع کتابخانه‌ای و نظر خبرگان به روش دلفی و استفاده از نرم‌افزار AHP SoLver تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا با تأکید بر اختلافات ارضی و مرزی را که در چهار بخش شامل «اختلافات مکانی، اختلافات بر سر قلمرو، اختلافات عملکردی و اختلافات ناشی از استفاده مشترک از یک منبع اقتصادی» بودند و ابتدا شامل ۲۴ مورد بوده احصا کرده، سپس با استفاده از نظر خبرگان به شش مورد مهم آن رسیدند و با وزن‌دهی به این تهدیدات مشخص شد. مهم‌ترین تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا از دید صاحب‌نظران و با استفاده از نرم‌افزار AHP SoLver بر اساس نمودار شماره ۱ عبارت است از اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و فلسطین اشغالی که می‌تواند تأثیر زیادی در امنیت منطقه داشته باشد؛ و دومین و سومین تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا با تأکید بر اختلافات ارضی و مرزی به ترتیب اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و لبنان در جنوب آن کشور و اختلاف رژیم اشغالگر صهیونیستی و سوریه در بلندی‌های جولان است.

وجود رژیم اشغالگر صهیونیستی در منطقه غرب آسیا به عنوان یک تهدید بالقوه و حمایت تمام‌قد آمریکا از این رژیم و سرسپردگی حاکمان نوپای منطقه غرب آسیا باعث شده همگرایی منطقه در بین کشورهای غرب آسیا کم شود. کشورهای این منطقه که عمدتاً مسلمان بوده و با داشتن نقاط بسیار همگرایی از قبیل دین واحد، اشتراکات فرهنگی یکسان و تا حدودی زبان واحد

یا نزدیک به هم بایستی دارای همگرایی باشند نه تنها نتوانسته این همگرایی را حفظ نمایند، بلکه بیشتر به سمت واگرایی رفته‌اند؛ و این دقیقاً آرمان کشورهای سلطه‌گر و رژیم اشغالگر صهیونیستی است. وجود اختلافات ارضی و مرزی کهنه که حاصل سودجویی قدرت‌های استعماری است از یک سو و تغییرات اقلیمی و محیط زیستی از سوی دیگر در منطقه غرب آسیا تهدیدات ژئوپلیتیکی را باقی گذاشته است و باعث می‌شود کشورهای این منطقه راهبردی با کوچک‌ترین بی‌تدبیری از سوی حاکمان به سمت درگیری پیش روند و تنها راه همگرایی بیشتر در منطقه غرب آسیا تأکید بر اشتراکات و حل و فصل اختلافات و نابودی غده سرطانی منطقه است تا مردم مسلمان منطقه بتوانند آرمان تشکیل حکومت دینی مقتدر را عینیت بخشند.

فهرست منابع

- اخباری، محمد و نامی، محمدحسین، (۱۳۸۸)، جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- افشردی، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۳)، تبیین شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزها، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳۴، تابستان، ۱-۳۵
- حافظ‌نیا، محمد، (۱۳۸۷)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، انتشارات سمت
- حافظ‌نیا، محمد، (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی
- حافظ‌نیا، محمد و کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۹۳)، فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- حیدری، محمد؛ انعامی‌علمداری، سهراب و فتاحی، فرهاد، (۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک مرز و الگوی مدیریت کنترل مرزهای شرقی ایران، ژئوپلیتیک، سال ۸، شماره ۳، ۱۱۸-۱۵۳
- جان‌پرور، محسن و صالح‌آبادی، ریحانه، (۱۳۹۷)، تبیین و طبقه‌بندی اختلافات مرزی در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره چهارم، زمستان
- جوان، خدیجه؛ مهدوی، سجاد و ولی‌زاده لیل، (۱۴۰۰)، بررسی نقش شاخص‌های ژئوپلیتیکی در امنیت مرزی مطالعه موردی: شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی، فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی، دوره دهم، شماره ۱ بهار
- درایسدل، بلیک؛ آلسدیدر، جرالدا اج (۱۳۸۶)؛ جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ترجمه دره میرحیدر؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ پنجم.
- ربیعی، حسین (۱۳۹۱)، تحلیل اختلافات مرزی ایران در منطقه خلیج فارس با تأکید بر نقش، رویکرد و رفتار قدرت‌ها، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال دوازدهم، شماره ۲۶، پاییز ۱۷۹-۲۰۱
- زارعی، بهادر (۱۳۹۲)، خلیج فارس از گذشته تا آینده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- زارعی، بهادر؛ شاهدوستی، حسین و زینی‌وند، علی (۱۳۹۳)، فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۱۶ شماره ۴، زمستان ۷۵۵-۷۳۱
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، تهران: دانشگاه علوم نظامی
- سلیمانی، محمدباقر، (۱۳۷۹)، بازیگران روند صلح خاورمیانه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- شیخ‌نوری، محمدامیر، (۱۳۸۷)، نقش غرب در پیدایش و گسترش اختلافات مرزی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- صفوی، یحیی، (۱۳۸۷)، وحدت جهان اسلام، تهران، نشر شکیب
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۷۸)، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، تهران، انتشارات اسوه
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۹۰)، ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات سمت
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۹۲)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، انتشارات سمت

عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸) توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، باغ نظر، سال ۶، شماره ۱۲ ۵۷-۷۶

قاسمی، حمید و گره مولفین (۱۳۹۹)، مرجع پژوهش، تهران، انتشارات اندیشه آرا
کریمی‌پور، یدالله، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی

متقی، ابراهیم (۱۳۷۵)، شاخص‌ها و چالش‌های امنیتی در خلیج فارس، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۰ زمستان
محمدی، فاطمه (۱۳۹۴)، اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس در سال‌های
۱۳۷۴-۱۳۹۱، پژوهش در تاریخ تابستان، شماره ۱۶، ۱۱۵-۱۳۹

مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، خلیج فارس کشورها و مرزها، تهران، انتشارات عطایی
مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۰)، کشورها و مرزهای منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، تهران، انتشارات وزارت خارجه
مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، وزارت خارجه
مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۷)، ایده ژئوپلیتیک و واقعیت ایران، تهران، نشر نی
مرادیان، محسن، (۱۳۸۴)، آشنایی با کشور ترکیه، تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های شهید صیاد شیرازی
مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر با همکاری سید یحیی صفوی،
انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.

یاری، احسان و عبدعلی‌پور، (۱۳۹۶) تحلیل چرایی ناکامی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس در حل و فصل
اختلافات ارضی و مرزی فی‌مابین، فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۶ شماره ۱۰۳

Amirahmadian, H. and Entessarnader, ۱۹۹۳, Iran and Arab World, Mcmillan, London

Harbottle, Michael. In: Clive H. Schofield (Editor) (۲۰۰۲) Global Boundaries volum ۱. Taylor
& Francis e-Library, London and New York.

Hettne, B., ۱۹۹۹, Globalization and Regionalism: the Second Great Transformation,
MacmilanPrss ltd, London.

Lawrence, R., ۲۰۰۳, Regionalism, Multi Literalism and Deeper Integration, Palgrave

<https://fa.wikipedia.org>

